

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ می ۲۰۲۰

هدف از گماردن "عبدالله" به کاری، انجام نیافتن همان کار است!

شنبه- ۰۳ جوزای ۱۳۹۹ - کابل: با سپری شدن یک هفته از عقد مجدد دو روسپی رسوای سیاست "غنی احمدزی" و "عبدالله عبدالمود"، آهسته آهسته زمزمه هائی شنیده می شود که گویا چرا تا حال هیچ نوع تحرکی جهت تطبیق فیصله ها و اجرای شرایط عقد صورت نگرفته است. در یادداشت امروز بحث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

در کل توافقنامه عقد میان عاقدین، روی پنج نکته تمرکز یافته است: ایجاد شورای عالی دولت، ایجاد و رهبری شورای عالی مصالحه، تشکیل و اداره شرکت سهامی کابینه از قرار ۵۰-۵۰، فراهم ساختن زمینه جهت برگزاری انتخابات شوراهای ولسوالی ها، ... و یک پای گنجشکک دیگر زیر نام هیأت نظارت بر اجرای توافقات.

از جمع پنج وظیفه ای که توافقنامه انجام آن را بر دوش عاقدین انداخته است، برگزاری انتخابات شورا ها در ولسوالی ها و ... در واقع وظیفه ایست که در تمام ۵ سال موجودیت حکومت خیانت ملی در گذشته، رسماً از اولویت برخوردار بود، اما شاهدیم که نه تنها در آن زمان کوچکترین گامی در زمینه برداشته نشد، بلکه با اطمینان قاطع می توان نوشت، در آینده نیز کمترین کاری در زمینه انجام نخواهد یافت. شاید بی مورد نباشد بنویسیم: علت گنجانیدن آن به مثابه یکی از وظایف، فقط تحمیل آن عده از افراد "جمعیت اسلامی- شورای نظار" است که خواهان سیستم صدارتی هستند، خواست آنها در موافقتنامه گنجانیده شده به شرط آن که کمترین تلاشی جهت انجام آن صورت نپذیرد.

و اما در بقیه موارد:

۱- این را می دانیم که بین افراد و باندهائی که در کشمکش بین "غنی احمدزی" و "عبدالمود" از دومی حمایت نمودند، آرزوی همه آنها این است که به عضویت "شورای عالی دولت" یعنی مقتدرترین نهاد رسمی که حتا وظیفه کنترل، تعیین ستراتیژی های کلان و اساسی دولت و دادن خط حرکتی به رئیس جمهور را دارد، برگزیده شود. افرادی که بنا بر تعریف از شورای عالی دولت در این محاسبه می گنجد، اگر مرکب از رهبران جهادی باشد، افراد آتی را شامل می گردد:

"گلبدین"، چون "برهان الدین ربانی" مرده و مسأله رهبری در "جمعیت اسلامی" تا هنوز رسمیت کامل نیافته است، لذا از جمعیت اسلامی و شورای نظار، "صلاح الدین ربانی، معلم عطا، اسماعیل خان، احمد ضیاء مسعود، یونس قانونی"، چون "سید احمدگیلانی" مرده و تا هنوز مسأله جانشینی سیاسی بین پسرش و دامادش فیصله نیافته در نتیجه دو کاندید از آنها "سید حامد گیلانی و سید اسحاق گیلانی"، بعد از مرگ "مزاری" و آمدن انشعابات در حزب وحدت حداقل رهبران

سه شاخه انشعابی آن یعنی "خلیلی، محقق و اکبری"، "سیاف"، به نمایندگی از صبغة الله مجددی حداقل پسرش "ذبیح الله مجددی"، "دوستم"، رهبران شاخه های منشعب از باند "گلبدین" به خصوص "ارغندیوال". اینها تنها کسانی اند که عجالتاً از موضع رهبران جهادی خود را شایسته عضویت در شورای عالی دولت می دانند در حالی که افرادی مانند "حامدکرزی"، رؤسای مجلسین و چند تن از جواسیس تکنوکرات نه تنها خود بی میل نیستند بلکه "غنی احمدزی" نیز چنان می خواهد که همه به عضویت "شورای عالی دولت" انتخاب شوند. حال بگوئید در صورتی که قرار باشد تعداد افراد "شورای عالی دولت" مثلاً ده نفر باشد، کدام یک از آنها حاضر خواهد شد از عضویت خود به نفع دیگری بگذرد؟؟

۲- جور آمدن روی افرادی که عضو کابینه می شوند و یا آنها را دیگری که به حیث والی در چند ولایت مقرر می گردند و عده دیگری می باید به عضویت کمیته های "شورای عالی مصالحه" انتخاب و گمارده شوند، در عمل تعداد معدودی از کرسی های قدرت است که یک خیل عظیمی از کرگسان بدان چشم دوخته اند.

۳- با شناختی که از "عبدالمود" وجود دارد و همه به خصوص شخص "غنی احمدزی" می داند که وی تا چه حد و اندازه ای انسان تنبل، سهل انگار، خوشگزران، عاشق تشریفات ظاهری، فاسد، بیکاره و نادان است و برای انجام یک کار معمولی که یک فرد معمولی جهت انجام آن یک ساعت بیشتر وقت نمی خواهد، برای وی یک هفته کافی نیست، در نتیجه نامبرده آگاهانه بدین مقام برگزیده شده است. "غنی احمدزی" خوب می داند به همان سان که "عبدالمود" در جریان ۵ سال گذشته، کوچکترین گام عملی جهت اجرای موافقتنامه حکومت خیانت ملی برداشت، اکنون هم ماه ها و سالها را خواهد گذرانید بدون آن که موفق شود حتی افراد نامبرده راضی به شرکت در این و یا آن نهاد نموده، مشکلات درونی آنها را مرفوع نماید.

"غنی احمدزی" خوب می داند که جهت نجات خودش از زیر ضربت و سؤال بادرانش، کسی را به کاری بگمارد که هیچ گاهی قصد انجام آن را نداشته باشد و در بین ۳۵ میلیون نفوس افغانستان برای تحقق چنان هدفی، فردی شایسته تر از "عبدالمود" پیدا نمی شد. از همین رو وی را به کار گرفته است تا کاری انجام ندهد.

هموطنان گرامی!

به خصوص آنهایی که امیدی به بهبود اوضاع در موجودیت نظام کنونی دارند، این را مطمئن باشند که این حکومت به هدف خدمت به مردم به وجود نیامده و نباید هیچ گونه چشم امیدی بدان داشته باشند. اگر می خواهند تغییری دروضع زندگانی نابسمان خود و مردم شان به وجود آورند، می باید خود وارد میدان شده، به تعیین سرنوشت شان همت گمارند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشاندگی می باشد!

سرکها ما را می طلبند!